

# ایران صفوی



شاه اسماعیل اول

○ ایران عصر صفوی  
○ تالیف: راجر سیوری  
○ ترجمه: کامبیز عزیزی  
○ ناشر: نشر مرکز، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۸.

## نگاهی به کتاب ایران عصر صفوی

○ پرویز عادل

دنبال داشته است؛ مکتوب گشتن خاطرات و گزارش سفرها، که بعضاً مصور بودن آنها بر ارزش علمی شان نیز می افزود، بنابراین می توان گفت عصر صفویان در دوران متأخر، عصر ورود سیاحان و سفرای اروپایی است هر چند این امر به نوبه خود وامدار عهد ترکمانان آق قویونلو در دوران میانی می باشد.

اروپائیان که «منبع نویسی» عهد صفوی گشته بودند، این کار را بحال خود رها نکردند بلکه به تلاوم این امر در دوران بعدی نیز همت گماشتند، طوریکه این منبع نویسی باعث شد که آنان «ماخذنویسی» را نیز ترویج دهند، این امر آثار متعددی را به زیور طبع آراسته گردانید اگر با دیدی مثبت و خوش بینانه به آن نگریسته شود خدمت شایانی است به کشورمان ایران تا تاریخ گذشته این سرزمین باستانی را به جهان و جهانیان هر چه بیشتر معرفی کنند. به این تعبیر می توان گفت دانشمندانی چون: والتر هینتس، برتولد اشپولر، هانس روبرت روتمر، کلیفورد ادموند باسورث، جی. ا. بویل، لارنس لکهارت، ولادیمیر مینورسکی، آن لمبتون، حامد الگار، ویلم فلور، راجر سیوری و... ستارگان آسمان علم و ادبی هستند که آثارشان حق بزرگی بر گردن تاریخ این مرز و بوم داشته و دارد.

«صفویه شناسی» که در سال های اخیر به یکی از مهمترین شاخه های «ایران شناسی» بدل گشته میدان تحقیق گسترده این اندیشمندان شده، آثار متعددی از آنان را در این مقطع تاریخی شاهدیم که هر یک به نوبه خود حائز اهمیت می باشند. البته این سخن ابتدا به معنی نادیده گرفتن زحمات خستگی ناپذیر دانشمندان ایرانی صفوی شناس نمی تواند باشد. لیکن در اینجا از نام بردن آنان اجتناب می شود. چون از طرفی ممکن است نام والامقامی از قلم نگارنده کم اطلاع این سطور بیافتد و مایه تأسف گردد از طرفی دیگر، محور بحث ما نیز چنین امری را نمی طلبد زیرا ما در این نوشتار قصد آن داریم که به سراغ یکی از مستشرقان صفوی شناس رفته و اثر معروفش در عهد صفوی را مورد بحث و بررسی قرار دهیم. این شخص که دکترای ایران شناسی از دانشگاه لندن را اخذ نموده و عهده دار گرسی امور خاورمیانه و اسلام در «دانشگاه تورنتوی کانادا» می باشد، کسی نیست

تاریخ ایران را که همانند سایر «تواریخ جهانی: Universal Histories» با فراز و نشیبهایی بسیار مواجه بوده است به سه دوره مجزا تقسیم نموده اند: «دوران باستان»، «دوران میانی» و «دوران متأخر» و این دوران واپسین را بنا بدلائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و... نقطه عطفی در روند طبیعی تاریخ ایران می دانند. ویژگی و اهمیت این دوران از آن رو است که بر اساس اصول شهرگرایی (Urbanism) حکومت مرکزی از ساختار عشیرتی خارج گردیده (خارج شدن از ساختار عشیرتی در قیاس با دوران قبل از خود، مدنظر می باشد و گرنه در قیاس با دوران بعد از خود، این سخن صحت ندارد چون دولت قاجار که در قرن بیستم میلادی حکومت می گرد بطور کامل از این ساختار خارج نشده بود و بنحوی از انحاء آثار این قالب در امر حکومت دیده می شود) و در سیستم جهانی قرار گیرد و با سیاستهای جهانی همگام شود، هر چند این همگامی با ناکامیهایی نیز همراه بود ولی در روند کلی، تاریخ ایران می تواند روندی رو به رشد تلقی گردد. صفویان (۱۱۳۵-۹۰۶/۷ ه. ق) که بدلائل فوق الذکر حکومتی متمرکز و قدرتمند ایجاد کرده بودند به رشد علوم و ادبیات همت گماشتند به طوریکه دوران شاه عباس عصر طلایی این حکومت گردید. بر اثر این اهتمام شاهانه بود که سیاحان و سفرای اروپایی به دربار آنان آمده خواستار بسط روابط سیاسی و اقتصادی گشتند. آمدن این سیاحان و سفرا نتیجه علمی مهمی نیز به





جز راجر سیوری 'R. Savory' صفویه شناس مشهور انگلیسی، برای آشنایی بیشتر با راجر سیوری که توسط آثار مهمش (از جمله خلیج فارس از دوران باستان تا اواخر قرن هیجدهم) با همکاری جی. بی. کلی، تحقیقاتی در تاریخ ایران عصر صفوی، تصحیح رساله فلکیه عبداللہ بن محمد بن کیماز ندرانی،... شناخته شده است با رجوعی به نشریات وزین غربی (Der Islam, B. S. O. A. S) می توان بوضوح با آثار او هرچه بیشتر آشنا گردید حتی صفویه شناسی در نزد سیوری تا جایی پیش رفت که با رساله دکترای خود تحقیق بر روی این سلسله را دوباره از نو آغازیده است، رساله دکترای او که

Development of the Early safavid Savory, Roer Ismail and Tahmasp, as Studied in Mervyn: The Century Persian Sources thesis for the state under Degree of Ph.D. London. ۱۹۵۸. the ۱۶th همراه مقالات و یادداشت‌های پراکنده او، این کتاب مورد بحث را تشکیل می‌دهد.<sup>۱</sup>

این اثر که نوعی «تاریخ عمومی صفویه» یا «کلیات صفوی» می‌باشد در نزد خوانندگان مقطع تاریخی صفویه جایگاهی ویژه دارد و این امر را البته که ترجمه آن نیز مضاعف کرده است. مترجم محترم و توانای این اثر، آقای کامبیز عزیزی که با نثری روان و سلیس مطالب و ایده‌های کتاب و مولف را به خواننده منتقل کرده در واقع کار «تأویل: interpretandum» را به نحو احسن و اکمل انجام داده است. این ویژگی قلمی آقای عزیزی که در دیگر ترجمه‌هایش (اقتصاد سیاسی ایران از... [ترجمه با همکاری محمدرضا نفیسی]، عقل سلیم علم... نیز مشهود است در افزایش ارزش این اثر نیز نقش اجتناب‌ناپذیری دارد.

این اثر که از نوع تاریخ سلسله‌ای و در قالب عمومی یا کلی می‌باشد بدلیل ارائه یک جمع‌بندی مفید از تاریخ تمدن و فرهنگ صفویه حائز اهمیت است ولی از آنجایی که کتاب فاقد ترجمه مؤلف است خواننده با سردرگمی مواجه می‌شود بنابراین انگیزه مؤلف در تهیه و تدوین این اثر برخواننده پوشیده می‌ماند لیکن پی‌بردن به این امر، احتیاج به ذهن پویایی ندارد و می‌توانیم اقامت ایشان در ایران (نخست بعنوان نظامی و سپس بعنوان

سراغ گرفت و در ضمن این گزیده‌گویی می‌تواند بعنوان «مدخل» برای تحقیقات آینده بکار رفته پژوهشهایی را تحت پوشش خود قرار دهد و از این جهت، خود این امر نقطه قوتی است برای اثر مهم سیوری.

نقطه قوت دیگری که در این اثر آرا دیده می‌شود، تصاویر متنوعی است از مناظر، ابنیه، اشیاء، البسه و... این امر که از دید ظریف سیوری حکایت می‌کند می‌تواند اثر سیوری را سندی مصور، هرچند کم حجم جلوه دهد.

با همه امتیازات و ویژگی‌های کتاب سیوری، ایراداتی در آن به چشم می‌خورد که در زیر به آنها اشاره می‌شود. اولین ایرادی که بر این اثر وارد است مربوط به فهرست مطالب می‌باشد که عنوان فصل هفتم «اصفهان نصف جهان، اصفهان تا زمان شاه عباس» آمده ولی در متن کتاب، حرف فاصله «تا» حذف و بدین ترتیب این اشتباه چاپی تصحیح شده است، در ادامه همین فهرست مطالب، باز به اشتباهی چاپی دیگر برمی‌خوریم که صفحه فهرست راهنما بجای دویست و هفتاد و هفت، دویست و بیست و هفت ذکر شده است، و این دو اشتباه چاپی صدالبته که متوجه ناشر محترم می‌باشد اما ایرادی که بر جناب سیوری وارد است، عدم نگارش مقدمه‌ای بر این کتاب می‌باشد که با این کار خود، خواننده را از شناخت اهداف و طرح اولیه خویش محروم نموده است و او را بحال خود رها می‌کند تا خود به اهداف و طرح او پی برده و خود نتیجه‌گیری کند علاوه بر آن در این اثر اشتباهات محتوایی نیز به چشم می‌آید:

در فصل اول (ص ۳) دکتر سیوری باستناد نسب‌نامه‌هایی، صفویان را در اصل شیعی مذهب می‌داند درحالیکه بر هر اهل فنی مشخص و معلومست که صفویان در اصل شافعی مذهب بوده‌اند و این امر را تمام منابع آن دوره تأیید می‌کنند و حتی میشل مزروی نیز در اثر معروفش پیدایش دولت صفوی [ترجمه دکتر یعقوب آژند] به این امر پرداخته و تحلیلی زیبا آورده است که بدلیل پرهیز از تکرار مکررات خواننده را بدان ارجاع می‌دهیم. در فصل ششم (ص ۱۴۹) نیز به اشتباهی دیگر برمی‌خوریم که مترجم محترم کتاب نیز بدان اشاره نموده است. اشتباه دکتر سیوری در تعریف زره «چهار

**این اثر که از نوع تاریخ سلسله‌ای و در قالب عمومی یا کلی می‌باشد به دلیل ارائه یک جمع‌بندی مفید از تاریخ تمدن و فرهنگ صفویه حائز اهمیت است**

کارمند وزارت امور خارجه) و آشنایی با زبان پارسی را جزء انگیزه‌های رفتاری (Behavioring Causes) او در این اقدام بدانیم. این اثر که از چنین پشتوانه‌ای درونی بهره برده است مسلماً باید از غنای محتوایی نیز برخوردار باشد اما پیشاپیش باید بگوییم که این اثر سیوری بدلیل پرداختن به مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، هنری، تجاری و... حائز اهمیت بوده و از آنجاییکه اکثر منابع مورد استفاده مؤلف، منابع یا مآخذی غربی می‌باشند می‌توان گفت مؤلف محترم، تاریخ صفویه را از دیدگاه غربیان نگاهشده است، هرچند که مورخین غربی نیز از منابع پارسی سود جستند ولی باید گفت که بازساخت آن منابع پارسی، به سبکی غربی صورت گرفته است، پس این اثر، تاریخ صفویه از زاویه دید اروپائیان است. همانطوریکه قبلاً گفتیم مهمترین ویژگی این اثر: ارائه یک جمع‌بندی کلی از تاریخ صفویه، هیچگاه نمی‌تواند عطش یک خواننده و یا پژوهشگر حرفه‌ای صفویه‌شناس را رفع نماید چون در تحلیل وقایع به عمق قضایا و پدیده‌های تاریخی اشاره نمی‌شود و در موارد خاص موشکافی نمی‌گردد، پس نمی‌توان دکتر سیوری را «کاوشگر اعماق» دانست. از طرفی دیگر، ارائه یک جمع‌بندی کلی از لابلای آن همه مطالب و موارد جسته و گریخته، خود «هنری» است که نزد کمتر کسی می‌توان



آینه» می‌باشد که معتقد است دو قطعه از چهار قطعه این زره در طرفین قرار می‌گیرد ولی در اصل باید گفت که آندو قطعه در بالای زانوها قرار می‌گیرند (ر. ک: فرهنگ معین، فرهنگ عمید، لغتنامه دهخدا). در فصل هفتم (ص ۱۶۹) دکتر سیوری مطلبی باستان‌تاورنیه سیاح اروپایی آورده باغهای هزارجریبی را در مقابل باغهای اطراف ورسای بی‌ارزش می‌داند آنهم بدون رجوع به منابع دیگر و بدون هیچگونه مقایسه اقولی، درحالیکه کمپفر<sup>۲</sup>، دلاواله<sup>۴</sup>، شاردن و<sup>۵</sup> سیاحان دیگر اینهمه، همگی به نیکی از این باغ یاد کرده‌اند و بدین گونه سخن تاورنیه، که کج خلق‌ترین سیاح اروپایی این عهد می‌باشد را زیر سوال برده‌اند. در ادامه اشکالات فوق‌الذکر به یک مورد دیگر نیز برمی‌خوریم که مربوط به فصل دهم (ص ۲۳۳) می‌باشد. در آنجا دکتر سیوری معتقد است که شاه عباس دوم، مقام صدارت را به دو

شاخه خاصه و عامه / ممالک تقسیم نموده است ولی این سخن سیوری چندان مورد قبول نیست چون این شاه سلیمان صفی دوم بود که مقام فوق‌الذکر را بدو شاخه تقسیم نمود و این مطلب توسط شاردن<sup>۶</sup> که اثرش در حکم دایرةالمعارف عهد صفوی، و همچنین توسط مینورسکی<sup>۷</sup> که بهترین تنویرسین سازمان اداری حکومت صفوی است، تأیید شده است.

در ادامه، مطالب فوق‌الذکر را از دیدگاه علمی تاریخ، بررسی می‌کنیم که در این وادی دو ایراد مهم به سبک تاریخنگاری دکتر سیوری وارد است: ۱ - عدم مقایسه اقوال مختلف، ۲ - عدم استناد در برخی موارد، که ذیلاً به بررسی آنها می‌پردازیم.

همانطوریکه عرض شد دکتر سیوری در ارائه مطالب یا اخبار تاریخی صرفاً به یک منبع استناد کرده و هیچگاه به مقایسه اقوال، که مهمترین عامل در قبول یا رد اخبار تاریخی و یا عاملی مهم در اثبات یا عدم آن در حقیقت مطلب است، ندارد، مگر در یک مورد (ص ۴، ارجاع شماره ۴) که آنهم صرفاً به نام یک شخص مربوط می‌شود نه یک واقعه یا حادثه‌ای تاریخی که مورد اختلاف مورخین باشد، این امر یعنی عدم مقایسه اقوال تاریخی مورخین، البته که برای یک پژوهشگر توانا نمی‌تواند عذر موجهی داشته باشد. اما درباره ایراد دوم روش تاریخ نگاری

ولی از آن به بعد به فقر اطلاعاتی مبتلا می‌شود یعنی دوران پس از شاه عباس را بطور اجمالی، نسبت به دوران پیش از شاه عباس آورده است.

در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت این کتاب اثری مفید از جنبه «اطلاع‌رسانی» می‌باشد هرچند برای پژوهشگران و خوانندگان حرفه‌ای ناکافی است، بدین ترتیب جایگاه نسبتاً بالایی را شامل می‌شود که تعداد چاپ این اثر هم دلیل این ادعا است. اما سخن پایانی ما در این نوشته: از آنجایی که نمی‌توان ایران عصر صفوی را در ۲۹۰ صفحه تشریح نمود و از طرفی دیگر چون این اثر از نوع تاریخ سلسله‌ای و در قالب کلیات یا عمومی بی‌ریزی شده است، پس اگر عنوان کتاب، «کلیات ایران عصر صفوی» می‌بود، بهتر و گیراتر می‌شد جهت تداعی معانی این عهد.

سیوری، باید گفت علیرغم اینکه تاریخ علمی استنادی می‌باشد ولی این امر چندان مورد توجه دکتر سیوری قرار نگرفته است (البته در برخی موارد). آنچه در این میان فریاد می‌آید این است که دکتر سیوری با مکتب پوزیتیویسم (Positivism) سر صلح ندارد و کاملاً بدان معتقد نیست (هرچند این مکتب در دهه‌های اخیر در قیاس با مکتب پیشرفته آنال (Annales) از دور خارج شده است ولی باز نمی‌توان به این راحتی از کنار آن گذشت چون در مورد اخبار مورد اختلاف مورخین، هنوز هم مکتبی کارآمد می‌باشد) هرچند موارد فوق‌الذکر در تاریخنگاری از اهمیت بسیاری برخوردارند ولی اثر سیوری نیز نمی‌تواند بخاطر این دو ایراد، بی‌ارزش تلقی شود زیرا این اثر از جنبه اطلاع‌رسانی فرولوانی برخوردار است و برای صفویه‌شناسی نقطه قوتی است از این نقاط قوت و ضعف که بگذریم، بنا بقول مترجم محترم کتاب، مؤلف بخاطر وسعت مطالب انتخابی، به جنبه‌های اختصاصی کمتر می‌پردازد. از طرفی دیگر این اثر را بخاطر «گزیده‌گویی» (Selecion) می‌توان درجه‌ای والا داد پس از این بابت جایگاهی ارزشمند دارد باتوجه به اینکه کتاب سیوری دوره صفوی را کاملاً پوشش می‌دهد از نظر محتوایی نیز باید گفت که مطالب این کتاب تا پایان عهد شاه‌عباس از غنای قابل قبولی برخوردار است

#### پی‌نوشت‌ها:

- ۱) رهبرین، کلاوس میشل: نظام ایالات در دوره صفویه. ترجمه کیکاووس جهانناری، تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۷، ص ۲۱۸. (ماخذ).
- ۲) میراحمدی، مریم: تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عصر صفوی. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱، ص ۲۳.
- ۳) کمپفر، انگلبرت: سفرنامه کمپفر (در دربار شاهنشاه ایران). ترجمه کیکاووس جهانناری، چاپ سوم، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۴۳، صص ۱۸۹ و ۱۸-۲۱۵.
- ۴) دلاواله، پیترو: سفرنامه پیترو دلاواله. ترجمه شعاع‌الدین شفا، چاپ دوم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰، ص ۲۲.
- ۵) شاردن، ژان: سیاحتنامه شاردن. ترجمه محمد عباسی، جلد ۷ و ۸، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۵، جلد ۷، صص ۲۰-۳۱۸.
- ۶) همان، جلد ۸، ص ۴۰۸.
- ۷) مینورسکی، ولادیمیر: سازمان اداری حکومت صفوی یا تعلیقات مینورسکی بر تذکره‌الملوک. ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۸، ص ۷۴.